

آثار بازخوانی تفسیر عدالت

1. رسیدن به قراری معین در ارتباط با اعتبار یا عدم اعتبار اجتناب از منافیات مروت در عدالت

با مراجعه‌ای ساده به اختلاف فقیهان - حتی فقیه واحد در یک کتاب - در اعتبار اجتناب از منافیات مروت در عدالت، پی می‌بریم. به عنوان مثال: صاحب عروه در آغاز العروة الوثقی¹ یادی از مراعات مروت نمی‌کند، لکن در ادامه همان کتاب² «اجتناب از منافیات مروت» را در تحقق عدالت لازم می‌شمارد. شیخ انصاری به مشهور بعد از علامه نسبت اعتبار مروت در تحقق عدالت می‌دهد. نسبت به شیخ طوسی می‌فرماید: «و هو الذی یلوح من عبارة المبسوط». نسبت به فقیهان قبل از علامه - غیر از شیخ طوسی - می‌فرماید: «و اما کلام غیر الشیخ ممن تقدم علی العلامة فلا دلالة فیه بل و لا اشعار علی ذلک...».

ایشان پس از سیر در کلام فقیهان می‌فرماید:

«فالمتمتع هو الدلیل» و در نهایت به اعتبار آن نمی‌رسد و در پایان می‌فرماید:

«ان الاقوی هو کون العدالة عبارة عن صفة نفسانية توجب التقوی و المروة او التقوی - فقط - علی ما قویناه»³.

نکته: در تعبیر فقها گاه اجتناب از منافیات مروت به عنوان شرط عدالت بیان گردیده است و گاه مراعات تعینات مروت به عنوان شرط، بیان شده است. و بین این دو - لا اقل در زمان شک - تفاوت است.

آن چه بیان گردید بخشی از اختلافات فقیهان در اعتبار مروت در عدالت بود، لکن بنا بر تفسیر مختار باید دید مراد از مروت و منافیات مروت چیست؟ تا بر پایه آن به اعتبار یا عدم اعتبارش در عدالت رأی داد.

تفسیر مروت و منافیات مروت

صاحب عروه منافیات مروت را به «الدالة علی عدم مبالة مرتکبها بالدین» تفسیر نموده است یا مقید کرده است. عبارت وی این است: «العدالة ملکه الاجتناب...و عن منافیات المروة الدالة علی عدم مبالة مرتکبها بالدین»⁴.

1. الاجتهاد والتقلید، ج 1، ص 10، مساله 23.
2. همان، فی شرائط امام الجماعة، ص 800، مساله 12.
3. رسائل فقهیه، صص 17، 24.
4. العروة الوثقی، ج 1، ص 800.

شیخ انصاری که می‌خواهد - بر فرض اعتبار مروت در عدالت - از روایت ابن ابی یغفور مروت را برداشت کند، می‌فرماید (با تلخیص) : «الانسب ان یقال: ان ذلك انما يستفاد من لفظی «الستر» و «العفاف» الراجعین الی معنی واحد، فیکون المراد بالستر ما عدّ مقابلاً للتبرج المفسر بالتظاهر بما یقبح و یتهجن فی الشرع او العرف. و لا ریب ان منافیات المروة مما یتهجن فی العرف فهی منافیة للستر و العفاف بذلك المعنی».⁵

در برخی کلمات به مثل اکل در سوق به صورت غالب در غیر ضرورت و توسط غیر بازاری مثال زده شده است.⁶

با همین تفاسیر است که مخالفان اعتبار می‌گویند : «و اما منافیات المروة فلا تضر بالعدالة الا اذا انطبق علیها احد العناوین المحرمة»؛ و دیگری گفته است : «ان ما عدّ من المنافیات فهو اما من مصادیق المعاصی او ملازماتها غیر المفارقة اياها غالباً و لو بالعناوین الثانوية»؛ و سومی فرموده است : «ما لم یرجع الی المحرمات لا یضّر»؛ و بالاخره چهارمی فرموده است : «بحیث یکشف عن فسقه».⁷

مروت در روایات

روایاتی قبلاً⁸ گذشت با مثل تعبیر : «من عامل الناس فلم یظلمهم و حدثهم فلم یكذبهم و وعدهم فلم یخلفهم فهو ممن کملت مروته و ظهرت عدالته...».

مطابق این روایت، عدم ظلم، عدم دروغگویی، و عدم تخلف از وعده، محقق مروت است و مروت پدیده‌ای در کنار عدالت است نه شرط تحقق آن. دو روایت دیگر نیز همین وضعیت را داشت. در متون لغوی مروت به انسانیت/ کمال رجولیت و مشابه این دو تعبیر، تفسیر شده است؛ چنان که نصوص متعددی از حضرات معصومین - علیهم السلام - عهده دار تفسیر آن شده‌اند.

توجه کنید :

- رسول الله - صلی الله علیه و آله - لرجل : یا اخا ثقیف ما المروة فیکم؟ قال : یا رسول الله ! الانصاف و الاصلاح، قال : و كذلك هی فینا».
- امام علی - علیه السلام - لما سئل عن المروة: «لاتفعل شیئاً فی السر تستحیی منه فی العلانية».
- امام حسن - علیه السلام - : «...اما المروة فحفظ الرجل دینه و احرازه نفسه من الدنس و قیامه بضیعتة و اداء الحقوق و افشاء السلام».
- امام باقر - علیه السلام - : «المروه ان لا تطمع فتذلّ و تسأل فتقلّ و لا تبخل فتتشم و لا تجهل فتخصم».⁹

5. رسائل فقهیه، ص 22.

6. همان، ص 23.

7. به تعلیقات بر عروه الوثقی ذیل متن مورد اشاره مراجعه شود.

8. ص 176.

9. میزان الحکمة، ج 7، ص 2878 و 2879، احادیث مختلف.